

Qualitative analysis of violence against women in public spaces and its consequences

(Case study: 20-50 year old women in Bandar Abbas)

Mohamadreza Hosseini^{*}, Gholamreza Tajbakhsh^{}**

Parastoo Sarlak^{*}**

Abstract

Today, sexual assault and harassment have become part of the daily social experience of girls and women in a way that endangers the comfort and security of this group of citizens and makes their social presence difficult. Accordingly, the present study has been conducted using the qualitative method of Grounded Theory with the aim of analyzing sexual violence against women in urban public spaces in Bandar Abbas. The study population consisted of women aged 20-50 years who had experienced violence in public spaces of the city. The sample size with the theoretical saturation criterion was 24 people who were selected by purposive sampling. The method of data collection, in-depth interview and the method of their analysis has been the basic theory. The results of the study, considering the phenomenon of "sexual violence against women" as a central phenomenon, showed that the causal conditions and background for the occurrence of this phenomenon are: 1) gender stereotypes, 2) physical and social security of public spaces, 3) Type of women's clothing and behavior and 4) women's communication network. Women's

* Associate Professor, Department of Social Sciences, Ayatollah Borujerdi University (RA), Borujerd, Iran. (Corresponding author) m.hosseini@abru.ac.ir

** Associate Professor, Department of Social Sciences, Ayatollah Borujerdi University (RA), Borujerd, Iran. tajbakhsh@abru.ac.ir

*** Master of Sociology, m.hosseini@yahoo.com

Date received: 2022/03/03, Date of acceptance: 2022/06/28



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

strategies after facing this phenomenon are: 1) social avoidance (passive), 2) social indifference (passive) and 3) social coping (active). These strategies are influenced by two groups of factors. The first group, ie the ruling context, are: 1) contextual variables (age, marriage, education, occupation, etc.), 2) socio-economic status and 3) city size (size, population). And the second group, the interventionist conditions, are: 1) empowerment of women in personal protection and 2) social supervision and support. The consequences of the adopted strategies are: 1) women's psychological threat, 2) women's social threat and 3) women's empowerment.

Keywords: Qualitative analysis, Grounded Theory, Sexual violence against women, Urban public spaces, Bandar Abbas.

تحلیل کیفی خشونت علیه زنان در فضاهای عمومی شهر و پیامدهای آن

(مورد مطالعه: زنان ۲۰-۵۰ ساله شهر بندرعباس)

محمد رضا حسینی*

غلامرضا تاجبخش**، پرستو سرلک***

چکیده

زنان به عنوان نیمی از اعضای جامعه نیاز به تأمین امنیت در فضاهای عمومی شهری دارند اما در عین حال خشونت در عرصه اجتماع به تجربه هر روزه آنان تبدیل شده است. بر همین اساس پژوهش حاضر با هدف تحلیل کیفی خشونت علیه زنان در فضاهای عمومی شهری به روش نظریه مبنایی انجام گرفته است. جامعه مورد مطالعه زنان ۲۰-۵۰ ساله شهر بندرعباس و نمونه‌ها هدفمند تا مرحله اشباع نظری به تعداد ۲۴ نمونه انتخاب شده‌اند و روش گردآوری داده‌ها نیز مصاحبه عمیق بوده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که شرایط علی (کلشه‌های جنسیتی، امنیت کالبدی و اجتماعی فضاهای عمومی، نوع پوشش و رفتار زنان و شبکه ارتباطی زنان) موجب بروز پدیده «خشونت جنسی علیه زنان» شده است و زنان راهبردهایی (اجتناب اجتماعی (منفعل)، بی تفاوتی اجتماعی (منفعل) و مقابله اجتماعی (فعال)) را در واکنش به آن اتخاذ نموده‌اند که تحت تأثیر دو گروه عوامل بوده‌اند؛ شرایط زمینه‌ای (متغیرهای زمینه‌ای (سن، تاهل، تحصیلات، شغل، و...))، پایگاه اقتصادی-

* دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی (ره)، بروجرد، ایران. (نویسنده مسئول)
m.hosseini@abru.ac.ir

** دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی (ره)، بروجرد، ایران. tajbakhsh@abru.ac.ir

*** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، m.hosseini@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۷



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

اجتماعی و اندازه شهر (وسعت، جمعیت)) و شرایط مداخله‌گر (توانمندسازی زنان در حفاظت شخصی و نظارت و حمایت اجتماعی). پیامدهای حاصل از راهبردهای مذکور نیز عبارت بوده‌اند از: تهدید روانی، تهدید اجتماعی و توانمندی.

کلیدواژه‌ها: خشونت، فضاهای عمومی شهری، زنان، نظریه مبنایی، بندرعباس.

۱. مقدمه و طرح مسئله

فضای عمومی شهر، صحنه نمایش زندگی روزمره مردم است و به دلیل نقشی که در توسعه جامعه دموکراتیک بازی می‌کند، اولین گام برای تحقق جامعه مدنی، فراهم نمودن دسترسی برابر همه افراد و گروه‌ها به عرصه عمومی است. یکی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده حضور مردم، ترس از مورد خشونت واقع شدن است. (مدیری، ۱۳۸۵: ۲) زنان به عنوان نیمی از اعضای جامعه نیاز به تأمین امنیت در فضاهای عمومی شهری دارند اما در عین حال خشونت در عرصه اجتماع به تجربه هر روزه همه زنان تبدیل شده است. (فروغان، ۱۸۰: ۶) «مزاحمت خیابانی» (Street Harassment) که یکی از بارزترین نوع خشونت علیه زنان در فضاهای عمومی شهری است، به ندرت مورد توجه قرار گرفته است. این بی‌توجهی تا آنجاست که در بسیاری از موارد از دید قضات، قانون‌گذاران و دانشگاهیان نیز پنهان مانده، ولی آسیب‌های آن ممکن است باعث راندن زنان از صحنه‌های اجتماعی شود. (عابدینی، ۱۳۹۴: ۲) عواملی که موجب تهدید، کاهش یا حذف امنیت در شهرها می‌شوند، بی‌شمارند و برخی فضاهای شهری ظرفیت بالایی در تهدید امنیت شهرها دارند. (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۸-۱۹) وجود امنیت در فضاهای عمومی از شاخصه‌های کیفی زندگی شهری است. زنان به دلیل ویژگی‌های جسمی و روحی خاص خود نسبت به مردان، احساس امنیت کمتری در این فضاها دارند. احساس امنیت در زنان می‌تواند در ارتقای الگوی فعالیت‌های اجتماعی مؤثر باشد و مشارکتی بهتر را در صحنه اجتماعی به وجود آورد. (رضایی، ۱۳۹۱: ۷۰-۶۹) چند سالی است که در ایران به مبحث ترس از جرم توجه خاصی می‌شود و نشان‌دهنده این است که امروزه به این موضوع، به عنوان یک مسأله اجتماعی نگریسته می‌شود. (شاکری، ۱۳۸۹) هر چند چنین سوءرفتارهایی، بعضاً یا عمدتاً به لحاظ قانونی، جرم محسوب نمی‌شوند، اما به راحتی حضور زنان در فضاهای عمومی را از بین می‌برد و بنابراین مسئله‌ساز بوده و نیاز به توجه جدی دارند. از آنجا که زنان هر روز

با این گونه رفتارها که شامل مزاحمت‌های کلامی، رفتاری و لمسی می‌باشند، مواجه هستند و احساس امنیت آنان را خدشه‌دار می‌سازد، و از سوی دیگر بیشتر این رفتارها در جامعه ایران هنوز حتی به عنوان یک جرم شناخته نمی‌شوند و یا لاقبل برای آن مجازاتی تعیین نشده است و مسئولان امنیت عمومی و همچنین افکار عمومی نیز بیشتر بر زنان متمرکز شده و با ایجادکننده مزاحمت، برخورد جدی چندانی نمی‌شود؛ آن هم با این استدلال که اگر محرک‌های رفتار ناامن‌ساز حذف شوند، این مزاحمت‌ها نیز کاهش خواهند یافت، مطرح کردن این موضوع به عنوان یک مسئله اجتماعی و طرح و انعکاس زوایای پیدا و پنهان آن، خواهد توانست قدمی در راه شناخت بیشتر و دقیق‌تر آن و رسیدن به راهکارهای عملی برای رویارویی و حل این مشکل باشد. شهر بندرعباس به دلیل بندری بودن دارای مراکز تجاری و تفریحی زیادی است که بخش عمده‌ای از فضاهای عمومی شهر را تشکیل می‌دهند. از سوی دیگر این شهر به علت سکونت مهاجران بسیار در آن و رفت‌وآمد مسافران و گردشگران، دارای یک جمعیت ناهمگون از نظر قومیتی، مذهبی و... است که خود بر مقوله امنیت و احساس امنیت زنان و پدیده خشونت علیه آنان در این شهر تأثیرگذار است. بر همین اساس، مسأله اساسی تحقیق حاضر این است که علل و عوامل خشونت علیه زنان در فضاهای عمومی شهر بندرعباس چگونه عواملی هستند و پیامدهای این خشونت از دیدگاه زنان کدامند؟ به عبارت دیگر زنان شهر بندرعباس در رابطه با پدیده خشونت در فضاهای عمومی شهر چگونه می‌اندیشند؟ بنابراین سؤالات اصلی تحقیق حاضر عبارتند از:

(۱) پدیده خشونت علیه زنان در فضاهای عمومی شهری چگونه شکل می‌گیرد و شرایط زمینه‌ای آن کدامند؟

(۲) راهبرد(های) اتخاذ شده از سوی زنان پس از مواجهه با پدیده خشونت علیه خود در فضاهای عمومی شهری و شرایط و عوامل تأثیرگذار بر این راهبرد(ها) چه بوده‌اند؟

(۳) پیامدهای راهبردهای اتخاذ شده از سوی زنان در برابر این پدیده، چه بوده‌اند؟

۲. پیشینه تحقیق

الف) داخلی:

میرحسینی (۱۳۸۷) در نتیجه پژوهش خود نشان داده است که در شهر تهران مهم‌ترین جلوه ترس زنان از جرم در قالب ترس از اجتناب‌ناپذیری آشکار می‌شود، بدین معنا که مکان‌های تاریک، ناشناخته و خلوت برای زنان ترس‌آور است و همچنین زنان از جرائم و آزارهای جنسی بیش از سایر جرائم می‌ترسند. همت‌زاده (۱۳۸۹) در پژوهش پیمایشی خود نشان داده است که افزایش منابع در دسترس زنان، میزان خشونت علیه آنان در فضای عمومی را افزایش می‌دهد. ارتباط میان شبکه ارتباطی زنان با میزان خشونت تجربه‌شده زنان در فضای عمومی رابطه معنادار مثبت است. ثمودی‌پیله‌رود (۱۳۹۲) در تحقیق پیمایشی خود نشان داد عواملی همچون اجتماعی شدن ناقص و تربیت ناصحیح اعتقادی و... موجب می‌گردد تا افرادی از این قبیل در بزرگسالی به ایجاد مزاحمت برای نوامیس مردم بپردازند. همچنین پوشش نامناسب زنان مهم‌ترین عامل بروز این پدیده می‌باشد.

لطفی‌خاچکی (۱۳۹۳) در پژوهش پیمایشی نشان می‌دهد بیش‌ترین نحوه واکنش نسبت به مزاحمت‌های خیابانی در میان پاسخگویان، به شکل «به راه خود ادامه دادن و وانمود به ندیدن کردن» با میزان ۹۵.۳ درصد بوده است. نتایج پژوهش پیمایشی صفاریان و همکاران (۱۳۹۵) در کرمانشاه نشان داده است که به ترتیب متغیرهای محرومیت نسبی (۳۶.۴٪)، تأثیرگذاری دوستان (۲۷.۲٪)، دینداری (۱۹.۹٪)، بی‌نظمی اجتماعی (۱۶.۸٪) بیشترین تأثیر را بر میزان مزاحمت‌های خیابانی داشته‌اند. همچنین پایگاه اقتصادی-اجتماعی، وضعیت تأهل و داشتن همراه در خیابان بر میزان مزاحمت‌های خیابانی تأثیر معناداری دارد. نتایج تحقیق عبداللهی (۱۳۹۷) حاکی از این است که ترس و ناامنی، فشارهای روانی، مخدوش شدن شخصیت، بدبینی نسبت به مردان، تنفر جنسی و کاهش مشارکت اجتماعی زنان از پیامدهای مزاحمت‌های خیابانی هستند. همچنین علل این پدیده در سه سطح خرد، میانه و کلان عواملی همچون وجود خرده‌فرهنگ‌های معارض، نابرابری-های جنسیتی، سلطه جنس مذکر بر فضاهای شهری، کتمان این مزاحمت و عدم برخورد جدی با آنها، کاهش میزان اعتقادات مذهبی و انسانی در افراد و بی‌اعتنایی به این آزارها و... هستند. همچنین وجود ارزش‌های پدرسالاری در جامعه، و نوع بینش جامعه می‌تواند در افزایش مزاحمت علیه زنان تأثیر داشته باشد. نتایج پیوهش کیفی شوشتری (۱۳۹۷) نیز حاکی از آن است که استیلاي مردانه و کنترل و انقیاد زنان در عرصه عمومی باعث تضییع حقوق شهروندی زنان و وقوع مزاحمت‌های خیابانی علیه آنان گشته است و عواملی نظیر ویژگی‌های مکانی، بی‌تفاوتی اجتماعی و خصلت‌های شخصیتی افراد مزاحم، باعث افزایش

میزان وقوع مزاحمت خیابانی علیه زنان می‌گردد. نتیجه این وضعیت انزوای اجتماعی زنان، ایجاد خودپنداره منفی در آنان، تغییرات شخصیتی و ابتلاء آنها به اختلال‌های استرسی می‌باشد. جهانی دولت‌آباد (۱۳۹۸) در تحقیقی به روش مردم‌نگاری، پدیده مزاحمت‌های خیابانی فیزیکی را واکاوی کرده است. نتایج شامل ۵ مقوله اصلی سیمای کنشگران، آیین عضویت، مطلوبیت زمان و مکان، قواعد رفتار و تجارب مشترک، است که به کمک آنها «خرده‌فرهنگ مزاحمت جنسی» را ارزیابی می‌کند. طبق نتایج، قربانیان در ۵ تیپ شامل «معترض پرخاشگر»، «معترض محترم»، «معترض محافظه‌کار»، «معترض منفعل» و «قربانی بی‌اعتنا» مقوله‌بندی شده‌اند.

ب) خارجی:

لنتون (Lento) و همکارانش (۱۹۹۹) در تحقیق پیمایشی خود در میان زنان کانادا به این نتیجه رسیدند که احتمال مزاحمت جنسی در خیابان‌ها بیش از مکان‌های نیمه‌عمومی مثل مغازه‌ها، رستوران‌ها و... است چون در خیابان‌ها رهایی از کنترل رسمی اجتماعی بیشتر است. پریش (Parish) و همکارانش (۲۰۰۶) در پژوهش خود با استفاده از داده‌های پیمایشی زندگی خانوادگی و سلامت چینی‌ها به مطالعه مزاحمت جنسی در چین در سال ۲۰۰۰ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که ۱۲.۵ درصد از زنان و ۱۵.۱ درصد از زنان شهری در چین مزاحمت جنسی را تجربه کرده‌اند. نتایج این تحقیق بر پیش آمدن فرصت، سود پیش‌بینی شده از سوی مزاحم و کاهش هزینه‌های مزاحمت تأکید می‌کند. یوماواکی (Yamawaki) (۲۰۰۷) در پژوهش خود الگوهای برقراری رابطه جنسی در میان زنان و مردان را به سه نوع رابطه مبتنی بر تفاهم، مبتنی بر قدرت مرد و رابطه سستی تقسیم کرده و اینگونه نتیجه می‌گیرد که هرچه رابطه خصمانه‌تر و بیشتر مبتنی بر قدرت مرد باشد طرفین رابطه بیشتر قائل به مقصر دانستن زنی می‌شوند که مورد تجاوز واقع شده و از خطای مرد چشم‌پوشی می‌گردد. فرچایلد و رادمن (Fairchild & Rudman) (۲۰۰۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که مزاحمت جنسی افراد بیگانه پدیده‌ای است که زنان جوان اکثراً آن را در زندگی خود تجربه می‌کنند که اثرات نامطلوبی بر سلامت آنان دارد. اولاً مزاحمت جنسی رابطه مستقیمی با خودابزارانگاری زنان دارد. ثانیاً تجربه مزاحمت جنسی و خودابزارانگاری رابطه مستقیمی با ترس از مورد تجاوز واقع شدن دارد. ثالثاً زنانی که از مورد تجاوز واقع شدن ترس و وحشت دارند بیشتر رفت و آمد خود را به بیرون از خانه

محدود می‌کنند. پرک (Preke) (۲۰۱۳) در تحقیق خود در رابطه با آسیب‌های فردی ناشی از مزاحمت جنسی برای زنان به این نتیجه دست یافت که این آسیب‌ها عبارتند از: (۱) کاهش عملکرد شغلی یا تحصیلی بزه‌دیده در نتیجه استرس و یا ترس از تکرار مزاحمت؛ (۲) از دست دادن موقعیت‌های ارتقای شغلی و یا حتی خود شغل و حرفه و ترس از پذیرش موقعیت‌های شغلی جدید و حتی انزوای اجتماعی؛ (۳) شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی نسبت به بزه‌دیده و برچسب خوردن وی؛ (۴) لطمه به شخصیت و هویت بزه‌دیده؛ (۵) بی‌اعتمادی و احساس انزجار نسبت به افرادی که در موقعیت مرتکب قرار دارند؛ مثلاً نسبت به رؤسا و مسئولین محیط شغلی و یا حتی نسبت به مردان به صورت کلی؛ (۶) مشکلات جسمانی نظیر افزایش فشار خون، سردرد، اختلالات گوارشی، اختلال در خواب یا غذا خوردن و...، (۷) احساس ضعف و حقارت و از دست دادن اعتماد به نفس و انگیزه و حتی احساس انزجار از زن بودن. دیلون و باکایا (Dhillon & Bakaya) (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای کیفی تلاش نمودند تا تجربه زنان جوان در دهلی را آزار و اذیت خیابانی واکاوی کنند. یافته‌های آنها نشان داده است که آزار و اذیت اغلب در مکان‌های شلوغ و در روز روشن رخ می‌دهد. سطوح بالای آزار و اذیت به عواملی مانند نگرش رایج نسبت به زنان و اجرای ضعیف قوانین نسبت داده شده است. شرکت‌کنندگان زندگی خود را از جهات مختلف توسط آزار و اذیت محدود و پلیس را بی‌تفاوت تلقی نموده‌اند و در نتیجه زنان مسئولیت ایمن ماندن را بر عهده گرفته‌اند. گاهی اوقات، زنان به دلیل ترس از تشدید تنش، ترجیح می‌دهند از خود با دور شدن از آزاردهنده‌ها به جای مقابله با آنها دفاع کنند. با این حال، برخی احساس کرده‌اند که ساکت ماندن باعث تداوم آزار و اذیت می‌شود.

همانطور که از مرور برخی از پژوهش‌های پیشین در رابطه با موضوع تحقیق حاضر پیداست، تحقیقاتی مشابه در داخل و خارج کشور انجام شده است که اگرچه تحقیقات کیفی هم در میان آنها مشاهده می‌گردد، اما قلمرو مکانی تحقیق حاضر به واسطه اینکه مکانی توریستی و تجاری است زمینه‌ای را برای وجود افراد غیربومی بسیار در این شهر فراهم آورده است که به نوبه خود بر نوع و شدت مزاحمت‌های خیابانی و تجربه خشونت علیه زنان در این شهر تأثیرگذار است. بنابراین تحقیق حاضر به دنبال آن بوده است تا پدیده خشونت علیه زنان در فضاهای عمومی این شهر را از دیدگاه زنانه، مورد تحلیل کیفی قرار دهد.

۳. ملاحظات نظری

نظریات و رویکردهای مرتبط با موضوع تحقیق در تحقیقات کیفی نقش مهمی دارند چرا که به محقق در درک بهتر ابعاد موضوع و ساخت مفاهیم و مقولات و همچنین مقایسه نظریه داده‌بنیاد با رویکردهای رایج کمک می‌کنند. یکی از نظریات مهم در بررسی موضوع مزاحمت‌های جنسی، نظریه فرهنگ جنسیتی اندرسون (Anderson) است. گاه ابراز قدرت و برتری و تحقیر جنسی طرف مقابل، عامل لذت بردن مرتکب از مزاحمت جنسی است. برخی از مزاحمان، از ایجاد رعب و هراس در زنان لذت برده و از این که می‌بینند با اقدام تهدیدآمیز آنان، رنگ از چهره دختری پریده است یا دستانش به لرزش افتاده و یا تقلا می‌رها شدن از دست آنان را دارد، لذت می‌برند. دیدن ضعف و التماس و خواری بزه‌دیده، به آنان احساس قدرت و برتری و گاه احساس شخصیتی کاذب می‌دهد. جالب است که حتی گاه شنیدن ناسزاهای از روی عصبانیت نیز آنها را به نتیجه مطلوب و دلخواهشان می‌رساند. منشأ چنین رفتارهایی را باید در تحولات اجتماعی نوین دید. در دهه‌های اخیر زنان استقلال بیشتری پیدا کرده، موقعیت‌های شغلی فراوان‌تری برای آنها ایجاد شده و در مجموع فعالیت‌های اجتماعی آنها بیشتر شده است. این تحولات، روابط قدرت را تغییر داده و زنان را در موقعیتی برابر و حتی گاه برتر از مردان قرار داده است. برخی از مردان از این وضعیت احساس خطر کرده و تلاش می‌کنند قدرت خود را به شکلی نشان داده و برتری خود را ثابت نمایند. در واقع در این حالت مزاحمت ابزار ابراز قدرت مردانه و تأییدکننده فرادست بودن فاعل نسبت به سوژه است. تحقیر جنسی زنان به شکل روزمره، برای تأکید بر فرودست بودن جنس آنها و خاطر نشان کردن درجه دوم بودنشان است. مارگارت اندرسون در کتاب خود تحت عنوان «تفکر درباره زنان: رویکرد جامعه‌شناسانه به جنس و جنسیت» در این رابطه معتقد است که «مزاحمت جنسی در بستری تحقیق می‌یابد که مناسبات قدرت به شدت نابرابر است و این مزاحمت‌ها عاملی برای حفظ و باز تولید روابط نابرابر در جامعه است.» (Anderson, 2006: 103) بر اساس نظر اندرسون در جوامعی که تبعیض جنسی به صورت نهادینه شده و در بطن روابط اجتماعی وجود دارد، سوءاستفاده از قدرت و تحقیر جنسی زن که در واقع اشکالی از مزاحمت جنسی هستند، بسیار شایع است. در این فرهنگ کرامت ذاتی زن و قابلیت وی جهت مشارکت فعال در امور اجتماعی نادیده گرفته شده و صرفاً در حد یک سوژه جنسی و ابزار اطفای شهوت

مرد دیده می‌شود. مردانی که در فرهنگ‌های مردسالارانه رشد می‌یابند، حتی ممکن است فکر کنند زنان مزاحمت را مطالبه می‌کنند. از طرف دیگر، نگاه مردسالارانه حاکم بر جامعه موجب می‌گردد برخی از مردان تصور کنند حق مداخله در نحوه عملکرد و فعالیت‌های روزمره زنان (ولو زنان غریبه) را داشته و کنترل رفتارهای این قشر بر عهده آنان است. نواه بر این باور است که تا زمانی که نابرابری جنسی در جوامع بشری پافشاری می‌کند، از یک طرف ساختارهای فرهنگی-اجتماعی موجود حاکمیت دیدگاه مردسالار را تقویت می‌کند و از طرف دیگر بزه‌دیدگان مزاحمت جنسی تمایلی به بیان مشکلاتشان نداشته و هر گونه صحبت آزادانه یا حتی توضیح در مورد تجربه مزاحمت را رد می‌کنند. (Noah, 2008:1)

۴. روش پژوهش

در این پژوهش از روش تحقیق کیفی و شیوه نظریه‌مبنایی یا گراند‌تئوری استفاده شده است. در این شیوه در طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی مفاهیم و مقولات از مصاحبه‌های انجام گرفته استخراج گشته و در قالب مدل پرادایم گراند‌تئوری ارائه شده‌اند. کدگذاری فرآیندی تحلیلی است که طی آن داده‌ها مفهوم‌گذاری می‌شوند و به هم می‌پیوندند. (استراوس و کربین، ۱۳۹۱) در تحقیق حاضر متن پیاده‌شده هر مصاحبه پس از حذف بخش‌های غیرمرتبط با موضوع تحقیق، در مرحله کدگذاری باز به جملات خرد شده و کدهای خام اولیه تولید شده‌اند. بدین صورت که به هر جمله یک یا چند کد اختصاص داده شده است به گونه‌ای که مفهوم جمله موردنظر را پوشش دهد. سپس از کدهای اولیه، کدهای ثانویه تولید شده‌اند به گونه‌ای که چندین کد اولیه که شباهت داشته‌اند تحت یک عنوان واحد قرار گرفته‌اند. پس از آن کدهای ثانویه‌ای نیز که با هم مرتبط بوده‌اند در قالب کدهای مفهومی (مفاهیم) درآمده‌اند. سپس از کنار هم قرار دادن چندین مفهوم مرتبط، مقولات و از دسته‌بندی چند مقوله مرتبط، طبقات اصلی شکل گرفته‌اند. در مرحله کدگذاری محوری، پدیده «خشونت جنسی علیه زنان» به عنوان پدیده محوری تعیین شد. نهایتاً در مرحله کدگذاری انتخابی با گزینش طبقات و مشخص نمودن ارتباط آنها با این پدیده، یک مدل فرآیندگونه ترسیم شده‌است. جامعه مورد مطالعه پژوهش حاضر، زنان ۵۰-۲۰ ساله‌ای از شهر بندرعباس بوده‌اند که تجربه خشونت در فضاهای عمومی شهر را داشته‌اند. نمونه‌های مورد مطالعه به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند بدین صورت که تعمداً

به سراغ زنانی رفته‌ایم که تجربه مواجهه با پدیده خشونت در فضاهای عمومی شهر را داشته‌اند. فرآیند انتخاب نمونه و تحلیل داده‌ها تا زمانی ادامه یافته است که به اصطلاح به اشباع نظری رسیده‌ایم یعنی دیگر داده جدیدی از تحلیل مصاحبه‌ها حاصل نشده است و در کل ۲۴ مصاحبه انجام شده است که از مصاحبه بیستم به بعد شاهد داده‌های تکراری بودیم. روش گردآوری داده‌ها در این تحقیق مصاحبه عمیق بدون ساختار بوده است. به منظور تعیین روایی یا اعتبار در تحقیق حاضر از روش «اعتبار اعضا» استفاده شده است، بدین صورت که نتایج نهایی تحقیق به نمونه‌های مورد مطالعه بازگردانده شد و پس از تأیید چنین نتیجه گرفته شد که تحقیق از اعتبار مطلوب برخوردار است. (ایمان، ۱۳۸۸) همچنین در پایان به روش مرور همتا، این پژوهش توسط اساتید راهنما و مشاور و دیگر صاحب‌نظران این حوزه مورد مطالعه و بازبینی قرار گرفته است و مواردی جهت اصلاح نظریه نهایی بیان شده است.

۵. یافته‌های تحقیق

در جدول (۱) اطلاعات توصیفی مصاحبه‌شوندگان برای متغیرهای تحصیلات و وضعیت تأهل ارائه شده است.

جدول (۱): اطلاعات توصیفی مصاحبه‌شوندگان بر اساس وضعیت تأهل و تحصیلات

متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
تحصیلات	دیپلم و زیردیپلم	۲۹,۱۶
	کاردانی و کارشناسی	۴۱,۶۶
	کارشناسی ارشد و دکترا	۲۹,۱۶
تأهل	متأهل	۵۰
	مجرد	۵۰

۱.۵ شرایط علی

شرایط علی و زمینه‌ای، شرایطی هستند که زمینه بروز پدیده محوری را فراهم می‌سازند. شرایط علی مربوط به پدیده خشونت جنسی علیه زنان عبارتند از: (۱) کلیشه‌های جنسیتی،

۲) امنیت کالبدی و اجتماعی فضاهای عمومی، ۳) نوع پوشش و رفتار زنان و ۴) شبکه ارتباطی زنان.

کلیشه‌های جنسیتی یا باورهای قالبی در مورد زنان همه آن تصورات منفی و غلطی است که جامعه همواره از زنان انتظار دارد؛ این که باید به گونه‌ای خاص فکر و رفتار کنند و در غیر این صورت با قضاوت‌های منفی و طرد مجازات می‌شوند. این کلیشه‌ها سبب می‌شوند که مردان به خود این اجازه را بدهند که خشونت جنسی علیه زنان در فضاهای عمومی اعمال نمایند چرا که به قول معروف زنان را «ضعیفه» دانسته و گمان می‌کنند که می‌توانند از قدرت بیشتر خود نسبت به زنان سؤاستفاده نمایند و مزاحم آنان گردند. اعظم (۴۵ساله، دیپلم، متأهل و خانه‌دار) در این رابطه می‌گوید: «وقتی به خانوم مورد تعرض قرار میگیره هیچکس نمیگه فلان مرد اینکارو کرد میگن خانومه یه مشکلی داشته که براش مشکل بوجود اومده چیزیه که جا افتاده.» وی در رابطه با جامعه‌پذیری جنسیتی مردان از کودکی معتقد است: «باید خانواده‌ها وقت بزارن برا تربیت درست پسرا. از همون کودکی شروع بشه به تربیت خیلی بهتره. من خودم به عنوان یه مادر همیشه به پسر می‌گم که ناموس بقیه مثل ناموس خودته.» اکرم (۲۸ساله، دکتری، متأهل و داروساز) نیز در رابطه با نقش نوع پوشش و رفتار زنان در بروز پدیده خشونت می‌گوید: «جذابیتای زن و پوشش تأثیر داره ولی زنهای ما باید یکم درک فکری و عقلی همراهش باشه که بدونه چه مکانی چه محیطی و حتی چه شهری چه نوع پوششی داشته باشه. مثلاً شهرهایی مثل بندرعباس خب به دلیل گرما پوشش آزادتری دارن و معمولاً راحتتر میگردن و خیلی مورد خشونت و مزاحمت‌های خیابونی قرار میگیرن بودن خانوم‌های چادری اما کمتر به حریمشون تعرض شده.» امنیت کالبدی فضاهای عمومی شهر به این معنا است که از نظر روشنایی، اختلاط کاربری و عدم استیلاهای مشاغل مردانه و... فضا دارای امنیت باشد. امنیت اجتماعی نیز به معنای تردد و شلوغی محیط و نظارت دیگران و پلیس در فضای عمومی است. به طور قطع هرچه که امنیت اجتماعی و کالبدی یک فضای عمومی بیشتر باشد مزاحمت و خشونت جنسی کمتری برای دختران و بانوان در آن فضا رخ می‌دهد و همچنین آنها در این گونه فضاها احساس امنیت بیشتری دارند. الناز (۲۴ساله، کارشناسی، مجرد و مربی مهدکودک) در این رابطه می‌گوید: «من به شخصه کلاً از جاهای تاریک و خلوت رد نمیشم مثلاً سر ظهر خیلی کم بیرون میرم یا اصلاً نمیرم.» اکرم (۲۸ساله، دکتری، متأهل و داروساز) نیز در این مورد می‌گوید: «اگه کوچه‌های خلوت و جاهای تاریک رو بخوام در نظر بگیرم

حس ناامنی رو بالا میبیره و خودش عامل تحریک مردا واسه ایجاد مزاحمت برای خانمه‌است. من تاجایی که بتونم تو مناطقی که مردونه‌ست و بیشتر آقاییون تردد دارن حدالامکان نمیرم.» او در رابطه با نقش ویژگی‌های شخصیتی مردان در بروز پدیده خشونت معتقد است: «بنظرم وقتی کسی ایجاد مزاحمت میکنه مریضه. میگم چرا باید همچین اتفاقی تو قرن ۲۱ بیفته.» زهره (۴۰ساله، کارشناسی، مجرد و کارمند دفتر بیمه) در خصوص نقش امنیت اجتماعی فضاهای عمومی در بروز پدیده خشونت جنسی علیه زنان می‌گوید: «متأسفانه این دیگه خیلی عادی شده برای همه و فقط نظاره‌گرن تو این ماجرا و هیچ کاری نمیکنن. بعضیا هم فقط فیلم میگیرن درصد خیلی کمی هست که بخوان به به خانوم کمک کنن.» شبکه ارتباطی زنان به معنای توانایی آنان در برقراری ارتباط با سایر زنان در هنگام نیاز به کمک آنها است. بدین معنا که اگر زنان بتوانند ارتباط قوی با یکدیگر برقرار نمایند خشونت جنسی علیه آنها کاهش یافته و شرایط آن برای مردان مزاحم فراهم نمی‌گردد. شیدا (۲۵ساله، کارشناسی، مجرد و دانشجوی) در این خصوص می‌گوید: «این خیلی مهمه که توی یه فضا زنای دیگه هم باشن چون اگر یک زن بتونه با زنهای دیگه که حتی غریبه هستن خوب ارتباط برقرار کنه باعث میشه که مزاحمت کمتر بشه.»

۲.۵ پدیده محوری

پدیده محوری در تحقیق حاضر «خشونت جنسی علیه زنان» می‌باشد که به هرگونه آزار کلامی یا غیر کلامی که توسط مردان نسبت به زنان در فضاهای عمومی (بیرون از خانه) صورت می‌گیرد اشاره دارد. پریسا (۲۶ساله، کارشناسی ارشد، مجرد و دانشجوی) در رابطه با این پدیده می‌گوید: «مزاحمت خیابانی یا خشونت جنسی به نظرم هر چیزیه که باعث ناراحتی و ایجاد ترس در زنها بشه و احساس ناامنی کنن. خشونت هم میتونه کلامی باشه هم غیر کلامی و خشونت فیزیکی دیگه بدتره و آثار بیشتری هم روی زن داره و هردوش اذیت کننده‌س و ناخوشاینده و به من حس بدی میده. در کل هر رفتاری که آدم فکر کنه حریمش داره بهش تجاوز میشه میتونه یه اشاره باشه یه حرفی باشه یه چشمک زدن باشه یا هر چیزی. حتی بعضی وقتا میخوای از کنار کسی رد بشی یه ذره خودشو جمع نمیکنه و تو مجبوری خودت رو جمع کنی که به طرف نخوری اصلاً رعایت نمیکنن. این یعنی

مزاحمت. گاهی وقتاً درباره هیکل تو نظر میدن و از الفاظ رکیکی استفاده میکنن و این خیلی برای من آزاردهنده‌س.»

۳.۵ بستر حاکم (شرایط زمینه‌ای)

اتخاذ راهبردهای مربوط به پدیده خشونت جنسی علیه زنان در فضاهای عمومی شهر و نوع واکنش زنان به این پدیده، به زمینه‌ای که پدیده در آن رخ داده است بستگی دارد. بر طبق تحلیل مصاحبه‌های کیفی گردآوری شده طبقات بستر حاکم عبارتند از: (۱) متغیرهای زمینه‌ای (سن، تأهل، تحصیلات، شغل، و...)، (۲) پایگاه اقتصادی-اجتماعی و (۳) اندازه شهر (وسعت، جمعیت). رؤیا (۲۳ساله، کارشناسی، مجرد و بیکار) در خصوص تأثیر بستر حاکم معتقد است: «سن و تحصیلات و تأهل باعث میشه که نوع واکنش خانوم هم فرق داشته باشه مثلاً سنهای بالاتر بیشتر برخورد میکنن تا سکوت دخترای کم‌سن میترسن آبروشون بره چیزی نمیگن و سکوت میکنن. یا کسی که تحصیلات بالاتری داره به نظرم بیشتر مقابله میکنه چون تو محیطهای دانشگاهی که مختلط هست رفته و تجربه‌ش رو داره. یا تأهل خیلی تأثیر داره مثلاً ممکنه یه خانم متأهل واکنش تندتری نشون بده تا یه دختر مجرد. کسی هم که شاغله چون مجبوره به هر حال هر روز بره بیرون از خونه، یاد میگیره که برخورد کنه تا کسی که شاغل نیست یا خانه‌داره و بیشتر وقتش تو خونست.» پایگاه اقتصادی-اجتماعی سازه‌ای است که از مجموعه متغیرهای تحصیلات، شغل و درآمد ساخته می‌شود. این سازه بر اساس تحلیل مصاحبه‌ها به عنوان یکی از طبقات بستر حاکم شناسایی شده چرا که هرچه فرد پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالاتری داشته است واکنش فعالانه‌تری را از خود در مقابل پدیده خشونت جنسی نشان داده است. نرگس (۳۱ساله، کارشناسی ارشد، متأهل و خانه‌دار) در این زمینه می‌گوید: «بینید اینکه فرد چقدر تحصیلات داره و اینکه شاغل هست یا نه تأثیر داره که چه برخوردی میکنه. مثلاً کسی که تحصیلات بالا داره و کارمند و هرروز باید بره سر کار و حتی میتونیم بگیم دستش تو جیب خودش یه اقتداری داره که اگر مردی مزاحمش بشه به طور جدی باهاش برخورد میکنه و اصولاً ترسی نداره ازین مزاحمت‌ها.» مفهوم اندازه شهر که شامل دو مقوله وسعت و جمعیت شهر است نیز به عنوان عامل دیگری است که در زیرمجموعه بستر حاکم قرار می‌گیرد. افسانه (۳۰ساله، کارشناسی ارشد، متأهل و کارمند) بر این باور است که: «به نظرم

توی شهرهای کوچیک که جمعیت هم کمه و همه هم همدیگه رو میشناسن زنها از ترس آبرو در مقابل مزاحمت‌ها بیشتر سکوت میکنن ولی توی شهرهای بزرگ و پرجمعیت مثل بندرعباس که هزار جور آدم غریبه توشه زنها جرات بیشتری واسه مقابله دارن.»

۴.۵ شرایط مداخله‌گر (میانجی)

شرایط مداخله‌گر شرایطی هستند که نوع واکنش فرد به پدیده محوری را آسان‌تر و یا محدودتر می‌کنند. بر اساس نتایج کدگذاری مصاحبه‌های انجام شده این شرایط عبارتند از: (۱) توانمندسازی زنان در حفاظت شخصی و (۲) نظارت و حمایت اجتماعی. بحث توانمندسازی زنان در حفاظت از خود به فراهم نمودن شرایط برای آموزش ورزش‌های رزمی و دفاع شخصی به آنها و همچنین فرهنگ‌سازی در جامعه از طریق رسانه و... است. از سوی دیگر با نظارت و حمایت اجتماعی از آنها می‌توان واکنش فعال در مقابل پدیده خشونت جنسی در فضاهای عمومی شهر را در آنها تقویت نمود.

اعظم (۴۵ساله، دیپلم، متأهل و خانه‌دار) در رابطه با نقش کنترل و حمایت اجتماعی در نوع واکنش زنان به بروز پدیده خشونت جنسی می‌گوید: «بی‌تفاوتی خیلی این عامل رو تشدید میکنه وقتی یه نفر یه کار بدی میکنه و بقیه فقط نگاهش میکنن انگار دارن تأییدش میکنن و این باعث میشه اون زن تنونه مقابله کنه ولی اگه چندین نفر بهش حرفی بزنن خیلی خوب میشه اون زنه هم دل و جرأت پیدا میکنه و از خودش دفاع میکنه و باعث میشه اون مردا دیگه این مزاحمت‌ها رو تکرار نکنن.» الهام (۳۴ساله، کاردانی، متأهل و خانه‌دار) در خصوص نقش توانمندسازی زنان در زمینه دفاع شخصی در واکنش فعالانه آنها به پدیده خشونت جنسی علیه زنان در فضاهای عمومی می‌گوید: «ضعف دفاع شخصی خیلی به چشم می‌خوره چرا که آموزش این ورزش تا حدودی میتونه باعث بشه که بتونیم از خطرات احتمالی جلوگیری کنیم. یه بار یکی از دوستانم تو خیابون که داشته میرفت سمت اسکله حقانی یه آقا مزاحمش میشه و متلک میندازه و خیلی حرف بد و ناموسی میزنه اینم برمیگرده با یه مشت و حرکت پا مرده رو از پا میندازه. اگه یه دختر رزمی‌کار باشه خیلی خوبه.» زهره (۴۰ساله، کارشناسی، مجرد و کارمند دفتر بیمه) نیز می‌گوید: «نقش پلیس خیلی مهمه و صد درصد دخیله. من با وجود پلیس پشتم گرمه و کمتر میترسم.» سمیه (۳۲ساله، کارشناسی، مجرد و بیکار) در خصوص نقش فرهنگ‌سازی و رسانه و

خانواده در رابطه با آموزش نوع واکنش زنان به مزاحمت‌های خیابانی و خشونت جنسی می‌گوید: «از بچگی بهمون یاد دادن آگه کسی چیزی گفت تو خیابون تو سکوت کن سرتو بنداز پایین و رد شو و هیچوقت بهمون نگفتن آگه کسی چیزی بهت گفت برخورد کن اینا همش برمیگرده به خانواده به فرهنگ به رسانه و...» نستر (۳۰ساله، کارشناسی، مجرد و بیکار) درباره نقش نظارت و حمایت اجتماعی از زنان در مقابل خشونت جنسی در نوع واکنش آنها به پدیده خشونت می‌گوید: «اینکه میگن یه خانوم همیشه باید سکوت کنه متأسفانه تو جامعه ما خود من این مشکل رو داشتم. من یه بار یه پسره لب دریا بهم دست زد و من زدم تو گوشش و پسره پررو میخواست برگرده منو بزنه و بهم گفت میتونم و دست میزنم و بهم فحش رکیک داد و جالب اینجاست که آدمایی که اونجا بودن به جای اینکه حمایت کنن و به پسره چیزی بگن داشتن فیلم می‌گرفتن یعنی بخاطر دفاع از خودم داشت فیلمم پخش میشد و اینجوریه که آدم ترجیح میده سکوت کنه.»

۵.۵ راهبردها (کنش‌ها و واکنش‌ها)

راهبردها، واکنش‌هایی هستند که فرد در مقابل بروز پدیده محوری از خود نشان می‌دهد و تحت تأثیر بستر حاکم و شرایط مداخله‌گر می‌باشند. این راهبردها در تحقیق حاضر عبارت بودند از: ۱) اجتناب اجتماعی (منفعل)، ۲) بی‌تفاوتی اجتماعی (منفعل) و ۳) مقابله اجتماعی (فعال). به عبارت دیگر زنان دو نوع واکنش فعال و منفعل از خود در مقابل پدیده خشونت جنسی نشان داده‌اند. اجتناب اجتماعی که واکنشی منفعل است بدین معناست که زنان حضور خود را در جامعه برای قرار نگرفتن در معرض خشونت جنسی کم نموده‌اند. بی‌تفاوتی اجتماعی نیز که واکنشی منفعلانه است بدین معناست که زنان حضور خود را به واسطه ترس از واقع شدن مورد خشونت جنسی کم نکرده‌اند اما در مقابل این خشونت سکوت کرده‌اند. اما گروه سوم کسانی بودند که با مقابله اجتماعی به عنوان یک واکنش فعال با پدیده خشونت جنسی و عاملان آن در فضاهای عمومی شهر برخورد نموده‌اند.

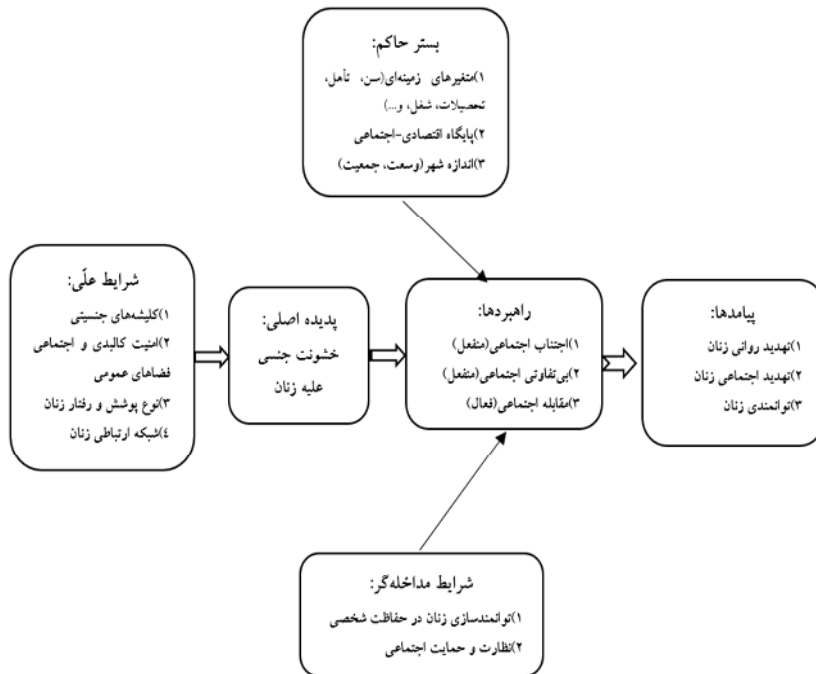
اعظم (۴۵ساله، دیپلم، متأهل و خانه‌دار) در رابطه با نوع راهبرد اخاذ شده از سوی زنان در برابر پدیده خشونت جنسی می‌گوید: «به نظرم سکوت یه خانوم در برابر مزاحمت یه مرد نشون‌دهنده صبوری اونه و اینکه بی‌محلی کنه خیلی بهتره تا بخواد جواب بده.» اکرم (۲۸ساله، دکتری، متأهل و داروساز) نیز می‌گوید: «من خودم اسپری فلفل دارم اما وقتی از

این سلاح سرد استفاده نمیکنم مطمئن باش جسمی هم از هیچ حرکتی استفاده نمیکنم چون قدرت اون مرد از من بیشتره و قطعاً کسی که به خودش اجازه میده تو یه فضای عمومی مزاحم یه زن بشه و من آگه یه ضربه به اون بزنم اون دوتا بزنه باعث میشه من بترسم و تصمیم بگیرم سکوت کنم.» الناز (۲۴ساله، کارشناسی، مجرد و مربی مهدکودک) در رابطه با راهبرد اتخاذی خود که فعالانه و مقابله اجتماعی بوده است می گوید: «واکنش من بستگی داره که کجا باشم اول که سعی میکنم اهمیت ندم اما بعدش که عصبی بشم داد میزنم سرش که بره گمشه. کلاً باعث نشده که از کارام عقب بمونم یا اینکه بترسم تنها بیرون برم اصلاً نشده که به خانوادم بگم معمولاً خودم حلش میکنم.» رؤیا (۲۳ساله، کارشناسی، مجرد و بیکار) در خصوص راهبرد اتخاذی خود که بی تفاوتی اجتماعی و منفعلانه بوده است می گوید: «من معمولاً از این مزاحمتها بدم میاد و بهم برمیخوره و عصبانی میشم ولی سعی میکنم باهاشون درگیر نشم چون آگه این اتفاق بیفته اون لحظه خودشون آبروتو میبرن با الفاظ رکیک یا حتی به سمتت حمله کنن.» زیبا (۳۲ساله، کارشناسی، متأهل و ماما) در خصوص واکنش فعال به پدیده خشونت جنسی علیه زنان در فضاهای عمومی شهر می گوید: «الان قدرت زنها خیلی بیشتر شده خیلی کلاسای رزمی میرن و قدرت افکار و بیانسون خیلی بالا رفته.» شیدا (۲۵ساله، کارشناسی، مجرد و دانشجو) در خصوص واکنش انفعالی خود می گوید: «سعی میکنم کمتر بیرون برم چون میترسم.»

۶.۵ پیامدها

راهبردهای اتخاذ شده از سوی زنان در مقابل پدیده خشونت جنسی در فضاهای عمومی شهر، بسته به فعال یا منفعل بودنشان، پیامدهایی را برای آنها به دنبال داشته‌اند که عبارتند از: ۱) تهدید روانی زنان، ۲) تهدید اجتماعی زنان و ۳) توانمندی زنان. به عبارت دیگر دو نوع پیامد منفی و مثبت داشته است. اگر واکنش زنان به پدیده انفعالی بوده از لحاظ روانی و اجتماعی تهدید شده‌اند به عبارت دیگر پیامدهای منفی روانشناختی همچون ترس، اضطراب، تنفر جنسی، خودپنداره منفی، خودبیزارانگاری و... و پیامدهای منفی اجتماعی همچون انزوای اجتماعی و کاهش مشارکت اجتماعی و اختلال در سلامت اجتماعی برای آنان به وجود آمده است. از سوی دیگر اگر واکنش فعال از خود نشان داده‌اند سبب بالاتر رفتن حس اعتماد به نفس و توانمندی زنان در مقابله با خشونت جنسی شده است.

اعظم (۴۵ساله، دیپلم، متأهل و خانه‌دار) در این باره می‌گوید: «مزاحمت و خشونت جنسی باعث میشه اون خانومی که مورد خشونت قرار گرفته احساس ناامنی کنه و احساس دلهره کنه و باعث بشه از اون فضا دور بشه چون اونجا حسی بدی داره.» اکرم (۲۸ساله، دکتری، متأهل و داروساز) در رابطه با پیامدهای روحی-روانی خشونت جنسی علیه زنان و نوع راهبردشان معتقد است: «پیامد روحیش حس ناامنیه که مردها علیه زنها بوجود میارن توی جامعه یا محیط کاری یا هر جای دیگه و خانمها ترجیح میده کلاً توی محیطهای عمومی ظاهر نشن. بارها پیش اومده که گفتم ای کاش یه پسر بودم و از جنس خودم بدم اومده و آرزو کردم که پسر باشم شده یه تایم از شب دلت بگیره بعد بگی اگه پسر بودم براحتی میتونستم ۱۰ شب برم بیرون ولی الان چرا من نمیتونم برم بیرون و گاهی شده حس تنفر نسبت به مردا پیدا کنم.» زیبا (۳۲ساله، کارشناسی، متأهل و ماما) در خصوص توانمندی زنان به عنوان پیامد واکنش فعالانه آنها به پدیده خشونت جنسی معتقد است: «تو جامعه ما بلد بودن ورزش رزمی و دفاع شخصی و استفاده کردن از اون در مقابل مزاحمت‌های مردا خیلی به دخترا اعتماد به نفس میده و قدرتشونو بالا میبره.» شیدا (۲۵ساله، کارشناسی، مجرد و دانشجو) نیز در خصوص پیامد واکنش انفعالی که تهدید اجتماعی و روانی زنان است می‌گوید: «همین مزاحمتا و سکوت در مقابل اونها باعث شده که من از کارام عقب بمونم و نتونم دیگه تنها بیرون برم چون احساس خطر میکنم و هیچوقت از یساعتی از شب که میگذره بیرون نمیرم درحالی که این جامعه منه من باید بیرون برم تفریح کنم یا نه. مخصوص اینجا که معمولاً شباً بیرون میرن بخاطر هوای گرمش دوست دارم برم بیرون برم کنار ساحل آرامش داشته باشم ولی همش ترس و دلهره تو وجودمه. باعث شده از همه مردا بدم بیاد ازینکه یه زنم بدم بیاد بگم چرا ما ابزار لذت مردا هستیم که در هر شرایطی به خودشون اجازه سؤاستفاده میدن.»



مدل پارادایم گراندتئوری

۶. بحث و نتیجه‌گیری

همراه با گسترش شهرها، تحولات اجتماعی بسیاری رخ داده است که مشارکت و افزایش حضور زنان در عرصه‌های عمومی و اجتماعی یکی از آنهاست اما همچنان مسأله امنیت زنان در فضاهای عمومی شهری مطرح است. بر همین اساس موضوع تحقیق حاضر تحلیل کیفی خشونت علیه زنان در فضاهای عمومی شهر بندرعباس بوده است. جامعه مورد مطالعه زنان زنان ۲۰-۵۰ ساله‌ای بوده‌اند که تجربه خشونت در فضاهای عمومی شهر را داشته‌اند. روش نمونه‌گیری هدفمند و حجم نمونه که در طول تحقیق مشخص شد ۲۴ نفر بودند. روش گردآوری داده‌ها، مصاحبه عمیق و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز گراندتئوری یا نظریه مبنایی بوده است بدین صورت که در طی سه مرحله کدگذاری، باز، محوری و انتخابی از مصاحبه‌ها، مفاهیم و مقولات کشف شده و مدل پارادایم گراندتئوری

شکل گرفته است. حال با توجه به نتایج به دست آمده از تحلیل مصاحبه‌ها می‌توان به سؤالات تحقیق پاسخ داد.

سؤال اول: پدیده خشونت علیه زنان در فضاهای عمومی شهری چگونه شکل می‌گیرد و شرایط زمینه‌ای آن کدامند؟ (۱) کلیشه‌های جنسیتی، (۲) امنیت کالبدی و اجتماعی فضاهای عمومی، (۳) نوع پوشش و رفتار زنان و (۴) شبکه ارتباطی زنان.

سؤال دوم: راهبرد(های) اتخاذ شده از سوی زنان پس از مواجهه با پدیده خشونت علیه خود در فضاهای عمومی شهری و شرایط و عوامل تأثیرگذار بر این راهبرد(ها) چه بوده‌اند؟ راهبردها عبارتند از: (۱) اجتناب اجتماعی (منفعل)، (۲) بی‌تفاوتی اجتماعی (منفعل) و (۳) مقابله اجتماعی (فعال). این راهبردها از دو گروه عوامل تأثیر پذیرفته‌اند. گروه اول یعنی بستر حاکم عبارتند از: (۱) متغیرهای زمینه‌ای (سن، تأهل، تحصیلات، شغل، و...)، (۲) پایگاه اقتصادی-اجتماعی و (۳) اندازه شهر (وسعت، جمعیت). از سوی دیگر شرایط مداخله‌گر که بر راهبردها تأثیر داشته‌اند عبارتند از: (۱) توانمندسازی زنان در حفاظت شخصی و (۲) نظارت و حمایت اجتماعی.

سؤال سوم: پیامدهای پدیده خشونت علیه زنان در فضاهای عمومی شهر و پیامد راهبردهای اتخاذ شده از سوی زنان در برابر این پدیده، چه بوده‌اند؟ (۱) تهدید روانی زنان، (۲) تهدید اجتماعی زنان و (۳) توانمندی زنان. به عبارت دیگر اگر زنان راهبردی منفعلانه اتخاذ نموده‌اند پیامد آن تهدید روانی و اجتماعی آنها بوده است و اگر راهبردی فعال اتخاذ نموده‌اند پیامد آن توانمندی آنان بوده است.

در مقایسه با تحقیقات پیشین تحقیق میرحسینی (۱۳۸۷) که در نتیجه پژوهش خود نشان داده است که مهم‌ترین جلوه ترس زنان از جرم در قالب ترس از اجتناب‌های فضایی آشکار می‌شود، بدین معنا که مکان‌های تاریک، ناشناخته و خلوت برای زنان ترس‌آور است، پیامد تهدید روانی و اجتماعی زنان را تأیید می‌کند زیرا نشان داده است که ترس زنان از مورد خشونت قرار گرفتن در فضاهای عمومی شهری، زنان را از دسترسی آسان و آزاد به محیط و فضاهای اجتماعی وسیع‌تر یا به تعبیری، دنیای بیرون از محدوده خانه، محروم می‌کند. البته در تحقیق حاضر نشان داده شده است که این پیامد به واسطه نوع راهبرد منفعلانه زنان در برابر پدیده خشونت حاصل شده است و نه به صرف وقوع پدیده. تحقیق پیمایشی همت‌زاده (۱۳۸۹) نیز نقش شبکه ارتباطی میان زنان بر وقوع پدیده خشونت و معنادار بودن

این رابطه را تأیید می‌کند. تحقیق‌های پیمایشی نمودی پیله‌رود (۱۳۹۲) و لطفی-خاچکی (۱۳۹۳) نیز تأییدکننده نقش کلیشه‌های جنسیتی و نوع رفتار و پوشش زنان در وقوع پدیده خشونت هستند. تحقیق عبداللهی (۱۳۹۷) نیز تأییدکننده پیامد تهدید روانی و اجتماعی زنان است زیرا نشان داده است که ترس و ناامنی، فشارهای روانی، مخدوش شدن شخصیت، بدبینی نسبت به مردان، تفرج جنسی و کاهش مشارکت اجتماعی زنان از پیامدهای مزاحمت‌های خیابانی هستند. شوشتری (۱۳۹۷) نیز که نشان داده است عواملی نظیر ویژگی‌های مکانی، بی‌تفاوتی اجتماعی و خصیلت‌های شخصیتی افراد مزاحم، باعث افزایش میزان وقوع مزاحمت خیابانی علیه زنان می‌گردد و نتیجه این وضعیت انزوای اجتماعی زنان، ایجاد خودپنداره منفی در آنان، تغییرات شخصیتی و ابتلاء آنها به اختلال‌های استرسی می‌باشد، تأییدکننده شرایط علی و پیامدهای منفی حاصل از راهبردهای اتخاذ شده در تحقیق حاضر است. نتایج تحقیق حاضر علی‌رغم برخی تشابهات با نتایج تحقیق جهانی دولت‌آباد (۱۳۹۸)، انواع واکنش‌ها به پدیده خشونت جنسی را از نظر فعالانه یا منفعلانه بودن متمایز ساخته است. در میان تحقیقات خارجی نیز تحقیق یوماواکی (۲۰۰۷) تأثیر نقش کلیشه‌های جنسیتی بر پدیده خشونت و تحقیق فرچایلد و رادمن (۲۰۰۸) پیامدهای منفی روانی و اجتماعی خشونت برای زنان را تأیید می‌کنند. تحقیق پرک (۲۰۱۳) تنها پیامدهای منفی پدیده آزار خیابانی را آشکار ساخته است در حالی که تحقیق حاضر نشان داد واکنش فعالانه زنان به پدیده خشونت جنسی، پیامدهای مثبتی همچون توانمندی را به دنبال دارد. نتایج پژوهش دیلون و باکایا (۲۰۱۴) نیز تنها توصیفی مردم‌نگارانه از تجارب زنان از مواجهه با مزاحمت‌های خیابانی ارائه نموده است در حالی که تحقیق حاضر تفسیری از درک زنان از این پدیده به دست داده است. همچنین رویکرد اندرسون به پدیده مزاحمت‌های خیابانی بر فرهنگ جنسیتی و نقش قدرت مردان در این زمینه متمرکز است و نظریه مذکور بیشتر زنان را در جایگاه قربانی و مردان را در جایگاه اقتدار مورد تحلیل قرار داده است، در حالی که پژوهش حاضر با تمرکز بر تجارب زنان و نه مردان، درکی همه-جانبه از ابعاد مختلف پدیده از چشم‌انداز زنان ارائه نموده است. به طور کلی آنچه که در تحقیق حاضر به عنوان دستاوردی جدید نسبت به تحقیقات پیشین محسوب می‌گردد نوع راهبرد اتخاذ شده از سوی زنان بسته به اینکه از چه شرایطی تأثیر پذیرفته است و این راهبرد منفعلانه بود یا فعالانه و همچنین پیامدهای منفی و البته مثبت این راهبردهاست که در تحقیقات پیشین به آنها پرداخته نشده است. این تحقیق نشان داد که اگر زنان در مقابل

پدیده خشونت و به واسطه توانمندسازی و گروهی از شرایط تأثیرگذار دیگر، واکنشی فعالانه داشته باشند و به عبارت دیگر مقابله اجتماعی کنند، نه تنها دچار تهدید روانی و اجتماعی نمی‌گردند بلکه برعکس، باعث توانمندتر شدن آنان از لحاظ روانی و اجتماعی در مقابل این پدیده می‌گردد زیرا علاوه بر این که اعتماد به نفس آنان افزایش یافته و دیگر ترسی از این پدیده ندارند، حضور و مشارکت خود را در جامعه افزایش داده و از نظر اجتماعی توانمند شده‌اند. بنابر نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد:

- با توجه به اینکه یکی از شرایط علی وقوع پدیده خشونت امنیت کالبدی و اجتماعی فضاهای عمومی شهر می‌باشد، پیشنهاد می‌گردد که امنیت فضاهای عمومی شهر از نظر کالبدی همچون نور کافی و... و از نظر اجتماعی همچون اختلاط کاربری و همچنین نظارت پلیس و... تأمین گردد تا دختران و بانوان بتوانند با آسودگی خاطر در این فضاها حضور یابند.

- بانوان نیز سعی نمایند به منظور کاهش وقوع پدیده خشونت جنسی از پوشش مناسب با عرف جامعه اسلامی ایران استفاده نمایند تا کمتر مورد مزاحمت واقع شوند.

- به منظور کاهش پیامدهای منفی پدیده خشونت، پیشنهاد می‌گردد برنامه‌ریزان و سیاست‌مداران در تدوین برنامه‌های خود به توانمندسازی زنان در زمینه دفاع شخصی و فرهنگ‌سازی در سطح جامعه اهمیت دهند.

کتاب‌نامه

استراوس، آنسلم؛ کرین، جولیت. (۱۳۹۱). *مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای)*. ترجمه: ابراهیم افشار. تهران: نی.

ایمان، محمدتقی. (۱۳۸۸). *مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی*. قم: حوزه و دانشگاه.

تقوایی، علی‌اکبر؛ رفیعیان، مجتبی؛ رضوان، علی. (۱۳۹۰). «تحلیل رابطه بین مؤلفه‌های کاربری زمین با کاهش جرائم و ناامنی شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۷ شهر تهران)». *پژوهش‌های جغرافیایی*. شماره ۷۷.

تحلیل کیفی خشونت علیه زنان ... (محمدرضا حسینی و دیگران) ۲۰۹

ثمودی پیلرود، فاطمه. (۱۳۹۲). «بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی خشونت نمادین پسران علیه دختران با تکیه بر مزاحمت‌های خیابانی (مورد مطالعه: منطقه صادقیه)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

جهانی‌دولت‌آباد، اسماعیل. (۱۳۹۸). «واکاوی پدیده مزاحمت‌های خیابانی فیزیکی با رویکرد مردم-نگاری». پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران. سال هشتم. شماره ۲. ۱۷-۴۴.

رضایی، مریم. (۱۳۹۱). «مطالعه جامعه‌شناختی احساس امنیت زنان در فضاهای عمومی (مطالعه موردی: خیابان پاسداران شهر سنج)». اولین همایش ملی علمی و پژوهشی زنان و زندگی شهری.

شاکری، فرشته. (۱۳۸۹). «بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی ترس از جرم و رفتارهای غیرملمنی در فضاهای عمومی (مطالعه‌ای در میان زنان ساکن تهران)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی. دانشگاه الزهرا(س).

شوشتری، بهناز. (۱۳۹۷). «بررسی جامعه‌شناختی مزاحمت‌های خیابانی علیه زنان در شهر تهران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات زنان. دانشگاه الزهرا(س).

صفاریان، محسن؛ مردادی، گلرادی؛ نریمانی، مریم. (۱۳۹۵). «بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر میزان مزاحمت‌های خیابانی مورد مطالعه شهر کرمانشاه». زن و جامعه. سال هفتم. شماره ۱. ۲۱۹-۲۴۶.

عابدینی، سمانه. (۱۳۹۴). «بررسی عوامل تأثیرگذار بر خشونت خیابانی علیه زنان با استفاده از روش‌شناسی مشارکتی معطوف به کنش». نامه انسان‌شناسی. دوره سیزدهم. شماره ۲۲.

عبداللهی، سعیده. (۱۳۹۷). «بررسی آسیب‌شناسی جرم مزاحمت خیابانی برای زنان و علل و عوامل اجتماعی و فرهنگی آن». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.

فروغان، مهشید. (۱۳۸۰). «بررسی خشونت در خانواده‌ها». کیهان. سال شصتم. شماره ۱۷۹۲۵. لطفی‌خاچکی، طاهره. (۱۳۹۳). «تحلیل اجتماعی مزاحمت‌های خیابانی نسبت به زنان (مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه مازندران)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی. دانشگاه مازندران.

مدیری، آتوسا. (۱۳۸۵). «جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر». رفاه اجتماعی. سال ششم. شماره ۲۲.

میرحسینی، زهرا. (۱۳۸۷). «بررسی جامعه‌شناختی علل و عوامل مؤثر بر ترس از جرم در زنان شهر تهران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش‌گری. دانشگاه تهران.

والی‌من، نیکولاس. (۱۳۸۷). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*. ترجمه: محسن نیازی، فریدون بهادرانی و مصطفی صلابت. تهران: پندارپارس.

همت‌زاده، زهرا. (۱۳۸۹). «بررسی علل و عوامل مؤثر بر خشونت علیه زنان در فضای خصوصی و عمومی شهر ارومیه». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات زنان. دانشگاه الزهرا(س).

- Anderson, M.L. (2006). *Thinking about Women: Sociological Perspectives on Sex and Gender*. Allyn & Bacon.
- Dhillon, M.; Bakaya, S. (2014). "Street Harassment: A Qualitative Study of the Experiences of Young Women in Delhi". *SAGE*. 2014: 1-11.
- Fairchild, K.M.; Rudman, L.A. (2008). "Everyday stranger harassment and womens objectification". *Soc Just Res*. 21:338-357.
- Lenton, R. et al. (1999). "Sexual harassment in public: Experiences of Canadian women". *CRSA/RCSA*. 36(4): 517-540.
- Noah, Y. (2008). "Experience of sexual Harassment at Work by Female Employee in Nigerian Work Environment". *International NGO journal*. 3 (7).
- Parish, W.L.; Das, A.; Laumann, E.O. (2006). "Sexual harassment of women in urban China". *Arch Sex Behave*. 2(35): 411-425.
- Preke, T. (2013). "Sexual Harrassment: Causes, Consequences and Cures". Available at: <http://www.westerncape.gov.za/eng/pubs/guides/S/63925/5> .August 12.
- Yamawaki, N. (2007). "Rape Perception and the Function of Ambivalent Sexism and Gender-Role Traditionalist". *Journal of Interpersonal Violence*. 22(4):406-423.